

# از اقتدار مسجدالاقصی تا مدیریت شبکه تجار

## درس‌هایی از تاریخ برای دیپلماسی امروز تشیع

گفت‌وگو با دکتر کامیار صداقت‌نمر حسینی، عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



آیا حمایت روحانیت و جامعه شیعی از مسئله فلسطین، پدیده‌ای متأخر و صرفاً سیاسی است یا ریشه در عمق باورهای دینی و کلتشگری‌های تاریخی پیش از انقلاب اسلامی دارد؟ گفت‌وگو پیش‌رو با دکتر کامیار صداقت‌نمر حسینی، پژوهشگر تاریخ و تراث شیعی، تلاشی است برای پاسخ مستند به این پرسش و البته فراتر رفتن از آن.

دکتر صداقت در بخش نخست این گفت‌وگو، با غباروبی از اسناد تاریخی دوره پهلوی اول و دوم، روایتی شگفت‌انگیز از حضور فعال علمای شیعه در صحنه حمایت از فلسطین ارائه می‌دهد. از جمع‌آوری عظیم سال ۱۳۲۷ شمسی در مسجد سلطانی تهران گرفته تا سند تاریخی و هویت‌ساز حضور آیت‌الله کاشف‌الغطاء رحمته‌الله در مسجدالاقصی اقتدای آگاهانه فلسطینیان به این مرجع شیعی در سال ۱۹۳۱؛ رخدادی که دهه‌ها پیش از شکل‌گیری نهادهای رسمی تقربیه، نمادی از وحدت عملی و در برابر صهیونیسم بود. اما اهمیت این گفت‌وگو تنها در بازخوانی تاریخ نیست، استاد در گام دوم، با کالبدشکافی روش‌شناسی استعمارگران - به‌ویژه بریتانیا و چهره‌هایی چون لرد کرزن - به بررسی «اتانومی نفوذ» می‌پردازد. او توضیح می‌کند که چگونه مستشرقین با نقشه‌برداری دقیق از «جغرافیای انسانی» و شناخت موبیرگی افراد و عشایر، بر جوامع اسلامی مسلط شدند.

### بخش اول: فلسطین در عمق تراث شیعی؛ فراتر از یک واکنش سیاسی

جناب استاد، بحث را از اینجا آغاز کنیم؛ با توجه به تحولات اخیر منطقه، وضعیت منابع تاریخی ما درباره تعامل روحانیت شیعه با مسئله فلسطین چگونه است؟ آیا اسنادی وجود دارد که نشان‌دهنده عمق حضور علمای پیش از انقلاب اسلامی باشد؟

بله، قطعاً. اگر با دقت در تاریخ بنگریم و اسناد را چون جملات یک جورچین (پازل) در کنار هم قرار دهیم، درمی‌یابیم که جامعه ایران همواره با دغدغه آزادی فلسطین زندگی کرده است. برای آنان مسئله فلسطین مسئله انسانیّت و عدالت در دوران معاصر است. ایرانیان با نژح و اندوه فلسطینیان و شکنجین و شادی آنان شادمانی کرده‌اند. هرچه تحقیقات جلوتر می‌رود، نمای واضح‌تری از فلسطین در ایران آشکار می‌شود و عرصه‌های مطالعاتی جدیدی در آن کشف می‌شود. استخراج روزافزون اسناد اعلامیه‌ها، جمع‌آوری و فتاوی علمای که استاد محمدحسن رجیبی دوانی در آثار خویش بدان‌ها اشاره کرده است، نشان از حضور علمای تهران و سایر شهرهای کشور در مبارزه با صهیونیسم در اوایل دوره پهلوی اول است؛ از جمله آن‌ها اجتماع اعتراضی علمای در آبان ۱۳۱۲ شمسی (مهر ۲۰ رجب ۱۳۵۲ قمری / ۱۳۳۲ میلادی) است. در آن زمان که آوج خفقان حکومت پهلوی اول بود و هنوز سال‌ها تا تأسیس رژیم صهیونیستی فاصله داشت، گروهی از علمای تهران در گروه‌هایی‌ای به ستهم‌های وارد بر فلسطین اعتراض کردند. گرچه خبر این اجتماع در رسانه‌های داخلی بازنایب نیافت، اما در جراید فلسطین آن دوره انعکاس یافت. در بیان آن کرده‌های ما، به‌عنوان جراید فلسطینی، چنین آمده است:



عصر جمعه در مسجد شاه چه خبر بود؟ تهران، شماره ۱۹۱، ص ۱

ما علما و اندیشمندان اسلامی مقیم طهران، به‌صورت رسمی و با قاطعیت، خطاب به همه دولت‌های شرق و غرب جهان، اعتراض شدید خود را نسبت به ستهم‌ها، تجاوزها و سلسله رویدادهای خونینی که بر ایران مسلمانان در سرزمین فلسطین روا داشته می‌شود، اعلام می‌کنیم و انزجار و نارسندگی عمیق خود را تمامی آن فجاج، به‌ویژه حادته درنکات اخیر - هجوم نیروهای حکومت تحت‌الحمایه به مسلمانان و تیراندازی به سوی انبوه معترضین مدافع حق و میهنشان - ابراز می‌داریم.

ما رزاده کشورهای دادگر و وجدان‌های بیدار جهانی را فرامی‌خوانیم تا با توقف روند مهاجرت سازمان‌یافته صهیونیستی، به آنچه اکنون در جریان است؛ یعنی کشتار بی‌گناهان، جنایات خونبار و سیاست‌های ریشه‌کنی که توسط قدرت‌های استعماری صورت می‌پذیرد، پایانی قاطع دهند. این روند، احساسات انسانی را سخت جریحه‌دار کرده، اندوه عمومی را برانگیخته و دیگر هیچ مجاللی برای شکیبایی باقی نگذاشته است. (۲۰ رجب سال ۱۳۵۲)

مجتهدین و علما، سید ابوالقاسم کاشانی، محمدرضا شیرازی، سیدمحمد امام‌جمعه تهران؛ اسحاق‌بن حبیب‌الله رشتی؛ خیر اعتراضی علمای تهران در دیگر نشریه فلسطینی آن دوران یعنی «الجماعه الاسلامیه» نیز آمده است.



نقطه عطف این گفت‌وگو، پیوندن آن تجربه تاریخی به نیازهای راهبردی امروز است. صداقت با توجه به پژوهش‌های صرفاً توصیفی، بر ضرورت گذار به «داده‌کاوی» (Data Mining) و استفاده از هوش مصنوعی برای تحلیل شبکه‌ها تأکید می‌کند. ایشان با طرح ایده «دیپلماسی اقتصادی هوشمند»، مصداقی عینی را روی میز می‌گذارد؛ اینکه چگونه می‌توان بدون انتقال پول نقد و تنها با «داشتن اطلاعات دقیق از شبکه تجار شیعه» و هدایت خریدهای دولتی (مانند بنج و چای)، بنیة مالی شیعیان در کشورهای نظیر هند را تقویت کرد و «اطلاعات» را به «قدرت» تبدیل نمود. این گفت‌وگو نقشه‌راهی است از دیروز مبارزه تا فردای مدیریت صحنه؛ متنی که خواندن آن برای پژوهشگران حوزه، فعالان دیپلماسی فرهنگی و علاقه‌مندان به تاریخ معاصر، دریچه‌هایی نو خواهد گشود.



یکی از اطلاعیه‌های شهید سیدمحمدتقی نواب صفوی درباره دفاع از فلسطین / روزنامه وظیفه شماره ۱۹۲ - ۲۹ اردیبهشت ۱۳۲۷ ص ۲

ما در قضایای مبارزه با استعمار بریتانیا و نهضت ملی‌شدن صنعت نفت ایران نیز مبارزه با صهیونیسم را از سال ۱۳۲۷ شمسی مشاهده می‌کنیم. کافی است برخی از سخنرانی‌های حسین مکی را در سال ۱۳۲۷ش در ضرورت قطع معاملات مالی با عوامل صهیونیستی یا جریان استیضاح ساعد مراغه‌ای را که با اخذ رشوه و بدون اطلاع مجلس، مبارزه به شناسایی رژیم غاصب صهیونیستی کرده بود، مورد توجه قرار دهیم. بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ شمسی، مبارزه با صهیونیسم، بخشی ثابت و جدایی‌ناپذیر از استقلال‌خواهی ایرانیان و مبارزه با استعمار ایالات متحده آمریکا شد.

اولین نامه‌نگاری‌های علمای شیعه امامیه با مقام پاپ واتیکان نیز درباره فلسطین است که امتداد آن از سال ۱۳۲۷ شمسی آغاز شد؛ نظیر نامه آیت‌الله سیدمحمد بهبهانی رحمته‌الله به مقام پاپ که متن آن توسط حضرت امام خمینی رحمته‌الله نوشته شده بود. بعدها آیت‌الله الجنتی شمرانی، میرزا خلیل کرمی، محمد خالصی رحمته‌الله، آیت‌الله‌العظمی سیدعلی سیستانی این ارتباطات با واتیکان را به‌منظور دفاع از فلسطین دنبال کردند.

حتی در گستره ادب‌پس نیز می‌توان گنجینه‌های بزرگ از شعر فلسطین را از روزگار پهلوی نخست تا به امروز گردآورد که نام بسیاری از بزرگان شعر فارسی، چون محمدحسین شهریار و سیدکیم امیری فیروزکوهی در آن می‌درخشید.

تقریباً تمامی شاعران صاحب‌سبک دوران انقلاب اسلامی، از حمید سبزواری و مهرداد اوستا و ظاهر صفارزاده گرفته تا سیدعلی موسوی گرمزروی، نصرالله مرانی، علی معلم دامغانی، حسن حسینی، قیصر امین‌پور، احمد عزیزی و سلمان هراتی و دیگران در سروده‌های خود به فلسطین پرداخته‌اند. اگر این مجموعه اشعار گردآوری شود، کتابی قطور با عنوان «فلسطین در شعر فارسی» پدید خواهد آمد که به‌خوبی گزاره این مدعا است.



اطلاعیه سخنرانی درباره قضیه فلسطین و ستم یهود عنود در مسجد وکیل / ضمیمه روزنامه دنیای اسلام (ناشر ابوالقاسم مرعشی) به‌شماره کتاب‌شناسی ملی ۰۸۷۲-۲۹۰۰



نام‌نویسی مرزیمی از مجاهدان برای جهاد در فلسطین در اهواز - ۱۳۲۷ شمسی



فتاوی جواز سهم امام برای حفظ بلاد اسلامی از آیت‌الله‌العظمی سید محمدتقی موسوی خوانساری (نامه هفتگی پرچم اسلام، ۲۵ شهریور ۱۳۲۷)



نمونه‌ای از کارکتاب‌های جراید مذهبی در ۱۳۲۷ شمسی (نامه هفتگی پرچم اسلام)



نمونه‌ای از کارکتاب‌های جراید مذهبی در ۱۳۲۷ شمسی (نامه هفتگی پرچم اسلام)

فلسطین داشت؟

بله، نکته مهم دقیقاً همین‌جاست. فلسطینی‌ها؛ دربرای سطح بالایی در مطبوعات و روزنامه‌نگاری داشتند؛ به‌گمان در مقاطعی حتی بالاتر از ایران و این به‌خاطر نیاز آنان به اطلاع‌رسانی درباره اشغال فلسطین بود. مطبوعات در فلسطین، به‌طور کلی در شامات و مصر که بسیاری از خبرنگاران فلسطینی در آنجا حضور داشتند، توسعه یافته بود. حتی ایرانیان نیز در دوره‌ای در مصر به انتشار روزنامه مباردت می‌کردند. در حین مطالعه به سندی در نشریات آن زمان برخوردیم که گزارشی از حضور آیت‌الله محمدحسین کاشف‌الغطاء رحمته‌الله، از علمای بزرگ شیعه، در فلسطین ارائه می‌کند. ماجرا به سال ۱۳۱۰ قمری (۱۳۳۰ شمسی) بازمی‌گردد؛ یعنی در اوج خفقان دوره رضاشاهی در ایران.



از اسناد تقریبی اقامه نماز وحدت‌آفرین در مسجدالاقصی به امامت آیت‌الله کاشف‌الغطاء رحمته‌الله - حداد خضیر فی تاریخ فلسطین (الجماعه العربیه، ۳/ رمضان ۱۳۵۲)

گرایش‌ها تا آنکه دارید که فلسطینی‌ها در مسجدالاقصی با آگاهی کامل به ایشان افتدا کردند. حادثه شب ۲۷ رجب سال ۱۳۵۰ قمری (۱۳۱۰ شمسی) در مسجدالاقصی، سرازاز و مبنای تاریخ وحدت اسلامی میان مذاهب مختلف در دوران معاصر شد. فلسطینی‌ها پیش از ۲۷ سال پیش از آن‌که شیخ محمود شلتوت فتوی مشهور خود را درباره جواز بیروی از فقه جعفری صادر کند (مورخ ۱۷ ربیع الاول ۱۳۷۸ قمری)، با اقتدا به امامت نماز آیت‌الله کاشف‌الغطاء، این وحدت را عملاً به نمایش گذاشتند.

**درباره جبهه مقابل ظهور؟ آیا فعالیت‌های صهیونیست‌ها در ایران آن زمان رصد شده است؟**

بله، اسناد قابل توجهی موجود است؛ از جمله اینکه در سال‌های ۱۳۳۳ و ۱۳۴۰ شمسی، فردی به نام «مستر حمیم» نشریه‌ای تماماً صهیونیستی با عنوان «حمیم» در تهران منتشر می‌کرد و این امر اعتراض علمای تهران را برانگیخت. بعدها روزنامه‌های صهیونیستی دیگری نیز مانند «عالم بهبود» با حمایت رژیم پهلوی در تهران منتشر شدند.

این‌گونه نشریات صهیونیستی در سراسر دوران پهلوی به وضوح قابل پیگیری است. باید این قطعات را در کنار هم نهاد؛ از یک‌سو فعالیت آشکار صهیونیست‌ها در تهران و از سوی دیگر جمع‌ات و بیانیه‌های اعتراضی علمای تهران در همان سال‌ها. این تقابل تاریخی باید روایت شود.

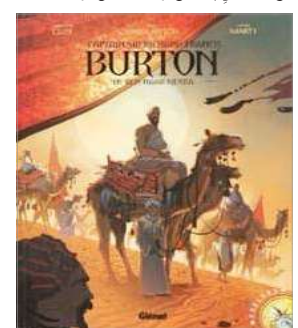


روزنامه عالم بهبود ۱۹/۱۲/۱۳۳۲ ش چاپ تهران ۲۰ و ۲۱ تموز روزهای یادبود دین از مهم‌ترین شخصیت‌های ملت بود است. هرمل و بیابانک

**بخش دوم: آنا تومی نفوذ؛ روش‌شناسی دقیق استعمارگران و لرد کرنز**

یکی از مباحث مهمی که حضرتعالی همیشه بر آن تأکید دارید، بحث «منبع‌شناسی» و تغییر روش پژوهش است. غربی‌ها و مستشرقین چگونه به این شناخت عمیق از جوامع اسلامی دست پیدا کردند؟ این نکته، دلگشاگر مهم تاریخ استعمار است. استعمارگران -به‌ویژه انگلیسی‌ها- هنگامی که کام به سرزمین‌های اسلامی می‌گذاشتند، کارهای حیرت‌انگیزی می‌کردند. در روزگاری که هنوز از هواپیما و عکس‌برداری هوایی به‌منظور ترسیم نقشه‌های جغرافیایی دقیق خبری نبود، بسیاری از خاورشناسان که در حقیقت مأموران نظامی-سیاسی بودند، چهره می‌آراستند، خود را به هیئت مسلمانان درمی‌آوردند، عربی و فارسی می‌آموختند و با تحمل زنج‌های بسیار، پیاده و سواره بر ستر از شهری به شهری و از دیاری به دیار دیگر می‌شتافتند تا به صورتی سازمان‌یافته اطلاعات در منطقه را گردآوری و نقشه‌های جغرافیایی آن را ترسیم کنند. پایه و اساس عملیات نظامی بریتانیا در جنگ‌های جهانی اول و دوم در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا همین گونه نقشه‌ها بود. هدف آنان به‌طور دوپرسش‌زاهربدی بود:

۱. در جهان اسلام، چه کسی دوست چه کسی است و چه کسی دشمن چه کسی؟ (شناخت وضعیت موجود و بافت اجتماعی)
۲. چه کسی را می‌توان دوست چه کسی کرد و چه کسی را می‌توان دشمنی چه کسی کرد؟ (مهندسی تفرقه و ائتلاف)



بریتون با ظاهر حاجی مسلمان شبانه در اطراف کعبه نجس می‌کند. از مجموعه داستان‌های مصور هلندی با عنوان اپیکاپتا سر ریحارد فرانسویس برتون. سفر به مکه، Captain Sir Richard Francis Burton De Reis Naar Mekka

# از اقتدا در مسجدالاقصی تا مدیریت شبکه تجار

## درس‌هایی از تاریخ برای دیپلماسی امروز تشیع

گفت‌وگو با دکتر کامیار صداقت‌نمر حسینی، عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



ضمینی به ترسیم جغرافیای فرقه‌های نوظهوری چون نهائیت نیز پرداخته است. قطعه‌ای از یک جورجین (پازل) برای طراحی نظام سلطه و مدیریت آنان بر جهان اسلام بود.

**بخش سوم: از تحلیل سنتی تا داده‌کاوی، و هوش مصنوعی**

• با توجه به این دقت نظر دشمن در گذشته، امروز پژوهشگر حوزوی ما باید چه رویکردی داشته باشد؟

تفکر راهبردی یعنی: توانایی بسیج منابع و امکانات در چارچوب برنامه‌های مشخص برای دستیابی به اهداف مطلوب؛ گاهی که آینده را چون عرصه‌ای برای برنامه‌ریزی پیش روی ما می‌کشد.

دغدغه‌های فرهنگی و دینی ما هنگامی با مفهوم راهبرد پیوند می‌خورند که با امکانات بالقوه و بالفعل نام نظر داشته باشیم و پرسش‌هایی را طرح کنیم که آگاهی و بینش ما را در زیاده و زیاده و دشمنانمان ارتقا می‌بخشد.

پژوهشگر حوزوی باید در هر حوزه مطالعاتی که وارد می‌شود، ابتدا بر منبع‌شناسی آن احاطه یابد. تا فردی بر منابع مطالعاتی مورد نظرش مسلط نشود، قادر به ترسیم نقشه راه مطالعاتی خود نخواهد بود. باید آن را در چارچوب دورپرسش اصلی در هر عرصه مطالعاتی بازتعریف کند؛ «چه کسی با چه کسی دوست و با چه کسی دشمن است؟» و «چه کسی را می‌توان با چه کسی دوست و با چه کسی دشمن کرد؟» در این صورت، گاه نقد یک کتاب مثلاً به‌نهایت از نقد آن کتاب فراتر می‌رود و به نقد یک شبکه پیدا و پنهان آن می‌انجامد.

امروزه پژوهش‌ها نیازمند چیزی فراتر از روش‌های سنتی پیشین هستند. در گذشته، آنان با اسب و شتر و گاوی، شهر به شهر می‌رفتند تا شبکه‌ای از روابط و ساختارهای محلی را بشناسند؛ اما امروز با ابزارهای پیچیده اطلاعاتی، چون «داده‌کاوی» (Data Mining) و «هوش مصنوعی» می‌توانند با حجمی مأموریت را دنبال می‌کنند. مراد از هوش مصنوعی این نیست که پژوهشگر از دیپ‌سک با چه کسی دوست و با چه کسی دشمن است؟

• آیا می‌توانید مصداق دقیقی از این نوع جمع‌آوری اطلاعات ذکر کنید؟  
بله؛ برای نمونه، لرد کرنز نااتیل کرنز (۱۸۵۹-۱۸۵۸) کتابی مشهور درباره ایران دارد که با عنوان «ایران و قضیه ایران» به فارسی ترجمه شده است. وقتی این کتاب را می‌خوانید، با انبوهی از جزئیات زبده‌رو می‌شوید که انسان را مهیوت کرده بود. لایه‌لای مطالب، به‌طور ضمنی در پی شناخت پویایی‌های فرهنگی، قومی و مذهبی جوامعی چون ایران است و اساساً این کار را از وظایف کنسولگری‌های بریتانیا می‌دانسته است. مثلاً کرنز در بخشی از کتابش، به گزارش‌های برارتنس، سرکنسول وقت بریتانیا در بصره اشاره می‌کند. او نام مشایر منطقه و سران آن‌ها را فهرست کرده بود تا دولت بریتانیا بداند، با چه کسانی سروکار دارد.

پیش از او نیز لیازر در سال ۱۸۶۱ میلادی جدولی از نام‌ها و تقسیمات فرعی عشایر منطقه زانویه کرده بود؛ اما کرنز به این هم بسنده نمی‌کند و می‌نویسد: «من افزون بر فهرستی که کنسول تهیه کرده، نام‌های تازه‌ای نیز خود بر آن می‌افزایم.» سپس اسامی‌ای چون ابوغیث، عساکره، خیره، بیت‌الحاجی، بنی‌رشید، بنی‌صالح و ... را برمی‌شمارد.

پیش اینجاست که چرا یک مقام عالی‌رتبه امپراتوری بریتانیا باید نام تک‌تک افراد و تیره‌های محلی عشایر را ثبت کند؟ در واقع، او با چنین جزئیاتی، درصدد مفهوم‌پردازی راهبردی از «جغرافیای انسانی» است؛ همان کاری که او و سایر مأموران بریتانیا با صدها و هزاران نمونه مطالعاتی دیگر انجام داده‌اند. این دقت در ارائه اطلاعات ریز و کاربندی از مناطق گوناگون، ابزاری است برای رصد دقیق و عملیات آینده استعمار، تا در بزنگاه‌ها بتوانند تضادهای ساختاری را در جوامع شرقی و اسلامی فعال کنند.

هدفشان این بود که بدانند دقیقاً چه کسی را می‌توان علیه دیگری شوزاند، با کدام گروه باید یا نباید درگیر شد، کدام افراد نفوذ کلام دارند؛ چه کسی را می‌توان خرید و ... و این یعنی «اطلاعات» هدفشان این بود که بدانند دقیقاً چه کسی را می‌توان علیه دیگری شوزاند، با کدام گروه باید یا نباید درگیر شد، کدام افراد نفوذ کلام دارند؛ چه کسی را می‌توان خرید و ... و این یعنی «اطلاعات» برای عملیات. آن‌ها بیهوده پژوهش نمی‌کردند؛ هر یک از این تحقیقات، چه از سوی ادوارد براون در تاریخ ادبیات که ضمن مباحث ادبی، به‌طور



حالت توجه کنیم که ایران سالانه میلیاردها دلار کالا از کشورهای مختلف وارد کشور می‌کند. اگر این واردات، «هوشمند» و «هدفمند» باشند، تجار را از صرف یک بازرگان به «کارگزاران فرهنگی» تبدیل می‌شوند و در درآمدت بر توان «مسجد»، «مدرسه» و «خدمات اجتماعی» در جامعه شیعی خواهد افزود؛ البته در مقام اجرا باید مسئله را به‌صورتی جامع‌نگر مورد توجه قرار داد. اینجاست که اهمیت بانک‌های اطلاعاتی در کسب قدرت آشکار می‌شود. ما بسیاری از اوقات خریدهای مان را چشم‌پوشته انجام می‌دهیم؛ غافل از اینکه اگر همان امثال کرنز به جزئیات و نقشه راه توجه داشته باشیم، می‌توانیم بخش مهمی از معادلات را به‌نفع خود تغییر دهیم.

**بخش پنجم: آسیب‌شناسی نشریات حوزوی و ضرورت ثبت وقایع محلی**

• در «پایان»، چه توصیه‌ای به نشریات حوزوی دارید تا بتوانند در این مسیر نقش‌آفرین باشند؟  
به‌کمال تشریفات حوزوی در سیرن حالی که منجره نشر مقالات علمی هستند باید بر اساس نیازهای محلی هر شهر و دیار از «وقایع‌نگاری محلی» و «تاریخ اجتماعی» غافل نشوند. یک مصداق تاریخی عرض کنم: مرحوم آیت‌الله شیخ گل‌محمدین تهریزی (پدر آقای عبدخدائی) در دهه ۱۳۱۰ و ۱۳۲۰ شمسی نشریه‌ای داشت به نام «تذکره دینی». ایشان جلساتی در محله شهبان تهریز برگزار می‌کرد. امروز نشری سندی که نشان می‌دهد، علما در آن زمان چه مباحثی علیه کسروی‌گری یا وهابیت مطرح می‌کردند، همین گزارش‌های هفتگی آن نشریه است. اگر نشریه نبود، بخشی از تاریخ مبارزات عقیدتی ما گم می‌شد؛ اما آن نشریه می‌نوشت؛ چه کسی آمد، چه گفت و شنیده شد.

**توصیه نهایی**

نشریات حوزوی باید بخشی ثابت را به «ثبت مستند فعالیت‌های دینی» اختصاص دهند. جزئیات مجالس درس تفسیر، جلسات پاسخ به شبهات، اسامی باتیان، مکان‌ها، تاریخ‌ها، و حتی تصاویر - با رعایت ملاحظات اخلاقی و حقوقی - باید ثبت شود. این‌ها منابع مریع نسل‌های آینده خواهند بود. اگر امروز این کار را نکنیم، فردا متهم می‌شویم که حوزه در قرق‌خالی بنا می‌کند؛ اگر نشریه است؛ در قرق‌خالی کار انجام شده، اما «روایت» ثبت نشده است. در خصوص دسترسی به منابع نیز خوشبختانه سامانه «مشانه» در کتابخانه ملی امکان دسترسی به منابع و بسیاری از نشریات قدیمی فراهم کرده است؛ البته دسترسی به برخی نشریات خاص (مانند نشریات منتشر به قرق‌خالی یا به‌نهایت به‌خاطر عدم تشریفات منتشر شده) ضرورتاً نیازمند دسترسی صهیونیستی آن دوره نیز برای پژوهشگران قائل دسترسی است و باید از این جنبه‌ها استفاده کرد.

گفت‌وگو با: دکتر حمید کریمی

**پی‌نوشت**

۱. جریده فلسطینی، ۲۷ رمضان ۱۳۲۷
۲. الجامعه‌العربیة، ۲۷ رمضان ۱۳۲۷
۳. کروز، جورج نااتیل، ایران و قضیه ایران، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.